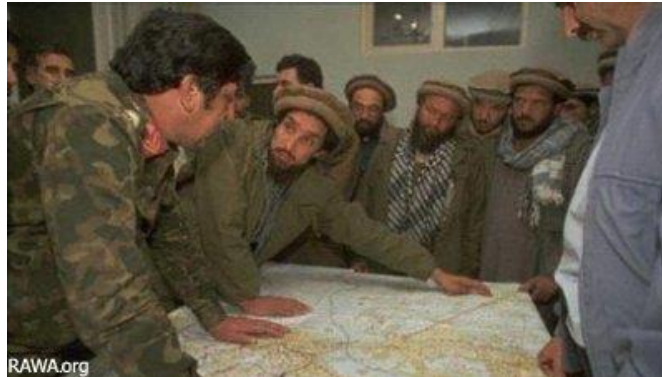


## احمد شاه مسعود، زنده جاودان

به مناسبت بیست سومین سال قتل مرد هزار چهره ای بنام احمد شاه مسعود



این تصویر که مسعود را در عصر اشغال کشور نشان میدهد، با خائنین دیگری چون نبی عظیمی، نورالحق

علمی، انجنیر پناه و فهیم، در حال تصمیم گیری بالای خاک مقدس افغانستان دیده میشود

یکی از آرمان های انسان ها زنده ماندن بعد از مرگ است که اعمال وی و تاریخچه حیاتش حتی المقدر باعث گردد که نه تنها بازماندگان شان ، بلکه جامعه هم از کردار نیک آنان به نیکی یاد آور گردیده و حتی به روش و جای پای شان ارزش قایل گردند. به اتکاء به چنین مفکوره ای، مشاهده میگردد که آنانیکه جای پای در تاریخ ملل داشته اند و در زمره شخصیت های اجتماعی گوناگون شامل میگردد، بیشتر آرزومند چنین مرامی هستند تا رویای «زندگی بعد از مرگ» شان بتواند به حقیقت بپیوندد.

ولی آنچه را گروه های متفاوتی از درک آن کاملاً غافل اند، راه و روشیست که به جز لکه سیاهی بر اعمال سخیف و کردار ناجایز غیر ملی آنان از خود باقی نمیگذارد. متأسفانه در نیم قرن اخیر تاریخ افغانستان به آن هموطنانی هم بر میخوریم که برای رسیدن به قدرت و اکثراً ثروت نه تنها منافع ملی را زیر پا گذاشته اند، بلکه در راه رسیدن به چنان مقاصدی، از هیچ نوع جنایت و خیانتی رویگردان نشده اند. آنچه همیشه سوؤال بر انگیز بوده، عدم ترس و وا همه آنان از قضاوت صفحات تاریخ است که بدون شک اعمال و کردار سیاه و سفید زورمندان را ثبت و افشاء گری می نماید.

در تاریخ نیم قرن اخیر افغانستان، که تاریکی خیانت، جنایت، وابستگی به اغیار و تطبیق پلان های غیر ملی گوناگونی، کشور ما و مردم آنرا به مصائب غیر قابل انکاری مبتلا نمود، متأسفانه به تعداد

زیادی از گمراهان غیر ملی برمیخوریم که شرافت و وجدان افغانی شان در تطبیق پلان های تخریبی و رهنمایی دشمنان وطن به یغما رفته است. یکی ازین پیشتازان که به حکم تاریخ در حیات کوتاه وی آنچه از اعمال سخیف جنایت و خیانت را در راه و روش اجتماعی وی بشماریم، کم است، همین **«احمد شاه مسعود»** می باشد که قهرمان پوشالی تاریخ نیم قرن کشور ما شناخته میشود.

به تاسی از تجارب آنانیکه مسعود را میشناخته اند، او از فهم و ذکاوت سرشاری برخوردار بود و زمانیکه محصل پوهنتون کابل گردید، با **«گلبدین حکمتیار»** یکی از چهره های جریان افراط گرایی و بنیاد گرایی مذهبی وابسته گردید و بر علیه جمهوریت **«محمد داود خان»** دست تخریبات ناکام زدند و با فرار به پاکستان با همکیش دیگر خود **«برهان الدین ربانی»**، هرسه با پذیرش غلامی، آله دست دستگاه جاسوسی پاکستان **«آی اس آی»** گردیدند. مسعود درین مرحله تمرینات مختلفه پارتیزانی را در ممالکی مانند لیبیا و سرزمین فلسطین آموخت و بعد از کودتای هفت ثور ۱۹۷۸ مدت کوتاهی



را در نواحی پنجشیر در جنگ هایی به مقابل شوروی پرداخت و به شهرت جنگجوی ملی رسید. ولی به زودی مورد توجه قوای اشغالی شوروی قرار گرفته و به کمک به آن دشمنان وطن، پروتوکول ها و معاهداتی را با قوای اتحاد شوروی و دقیقاً با جنرال **«گروموف»** آمر قوای نمبر ۴۰ آن کشور بست که در اثر

**(جنرال گروموف آمر قوای نمبر ۴۰)** آن توانست نه تنها معبر و شاهراه سالنگ را برای قوای زمینی عساکر شوروی از شر مجاهدین محلی حفظ و مراقبت نماید، بلکه پایپ لین گاز را که تا میدان هوایی بگرام امتداد داشت، برای سوخت وسایل ثقیله آنان نگهداری نماید. درین آوان برای اغفال مردم شریف و مظلوم وطن، یگان جنگ های کوچک نمایشی با عساکر شوروی هم انجام می یافت!

در یکی از مصاحبه های خویش **«گروموف»** ضمن خوشی از همکاری های مسعود و روش آتش بسی که با وی در حفظ منطقه از جانب طرفین داشت، چنین تذکر میدهد: **«مسعود شخص بسیار متعهد بود. اگر او وعده میداد، پس صد درصد باید باور میداشت که او به قول خود وفا میکند. من با او قبل از خروج نیروها ملاقات کردم. این در ماه می سال ۱۹۸۸ بود. قبل از این ما به یکدیگر نامه ها می نوشتیم و از طریق مخبران روان میکردیم. ما راجع به همه چیز توافق نمودیم، همه پرابلم ها را حل و فصل کردیم، همکاری متقابل را سازماندهی کردیم، تا کدام چیزی غیرپیش بینی شده رخ ندهد. ما سفرها داشتیم، بر علاوه این ما اطلاعیه ها را شفرسازی میکردیم، تا کدام کسی دیگر با نام احمد شاه مسعود عمل نکند.»**

بعد از سپتامبر ۱۱ و مرگ مسعود عده ای از جنرالان روسی که در اشغال افغانستان فعال بودند، به افغانستان آمدند و با برادران مسعود که عکس شان موجود است بر مقبره وی برای «زیارت» رفتند... یاران قدیم وی!

«احمد شاه مسعود» بر علاوه توافق با شوروی، با هوش و فراستی که داشت، دست همکاری جاسوسی را در مراحل مختلفه جنگ های خونین کشور با هیچ مملکتی که در قضایای افغانستان سهم می گرفتند، عقب نمیزد و عایدات سرشاری ازین منابع را از خود مینمود.

در مورد روابط دستگاه های جاسوسی امریکا و انگلستان یعنی «سی آی آئی - ام آی ۶» در آغاز حضور شوروی در افغانستان، صراحت و اسناد زیادی موجود است و مسعود هم گویا ابتداء در جنگ علیه اتحاد شوروی شامل بوده و کمک های ممالک مختلفه را دریافت می نموده است، ولی راپور ها مشعر است که یکباره از جنگ واقعی دست میکشد و موجبات تشویش آن ممالک را فراهم مینماید. «مردی که نمی جنگد» اثر معروف «بروس ریچاردسن» افغانستان شناس و ژورنالیست خبره درین زمینه وضاحت و استناد دارد که درین مختصر نمیگنجد.

بدبختانه جنگ های طولانی افغانستان که در آن اشغال و جنگ های داخلی را در حیات مسعود میتوان مخصوصاً شامل نمود، یکی دیگر از کجروی های این انسان هزار چهره و فامیل چپاولگر وی همانا غارت و تاراج سرمایه های ملی افغانستان از قبیل احجار کریمه مانند لاجورد، یاقوت، لاجورد و سنگ های گرانبهای دیگر بوده است که تا همین دوسال قبل و سقوط جمهوریت بدست طالبان ادامه داشت!!

درین تجارت نامشروع و یغمی گری ویدیو ها و عکس های بیشماری از معاملات با تجار خارجی و حتی مأمورین «ناتو» و قوای خارجی موجود است.

مؤفقت اول طالبان در شکست تنظیم های خونخوار جهادی و فرار بیشرمانه ربانی و احمد شاه مسعود، پاپت و پا برهنه به جانب «خواجه بهالدین و کولاب»، بدخشان و تاجکستان، سبب خواری و ناکامی های این گروه گردید که البته با پشتیبانی ایران و روسیه، باز هم آرزومندی تصرف قدرت کشور در نهاد آنان موجود بود.

متأسفانه بعد از هجوم قوای غربی و «ناتو» و عصر دیموکراسی وارداتی، افغانستان یگانه مملکتی در جهان گردید که جنایتکاران، خائنین ملی و وابستگان به همسایگان غدار و سابقه داران و مجریان جنگ های خانمانسوز بر کرسی های گوناگون قدرت نصب گردیدند و آنچه را ممالک مختلفه برای

بازسازی و اعمار مجدد عرضه نمودند تاراج همین اقلیت تاراج گر گردید. ضمناً در این معامله غیر ملی گروه مسعودیان و ربانی باز هم از امتیازات سرشاری برخوردار گردیدند و «احمد شاه مسعود» بدون موجب، بعد از مرگ از جانب انسان بی مسئولیت و بی شخصیتی مانند «حامد کرزی» به لقب پوشالی «قهرمان ملی» مفتخر گشته و یکبار دیگر زنده گردید!!!  
درین معامله سخیف فریب ملت افغانستان، آنچه غارتگری و چور دارایی های عامه و سرمایه های ملی ای که در دسترس بود، گروه و گروه وابسته به ربانی و مسعود به یغما بردند!



احمد مسعود و عده ای از اعضای فامیل در مسافرت اخیر به دعوت روسیه بیدرال به مسکو

بعد از سقوط طالبان، باز هم همین وابستگان یکبار دیگر در صدد فروش اسم «احمد شاه مسعود» با تبلیغلت برای پسر وی «احمد مسعود» که در خارج از افغانستان بسر میبرد، میباشند؛ طوریکه به حمایت دستگاه های استخباراتی چند کشور خارجی که البته «روسیه، فرانسه، انگلستان» در صدر آن قرار دارد، نامبرده را امر مجاهدین «!؟» و نماینده ملت بیدفاع افغانستان، به جهانیان معرفی می نمایند. چنانچه در پهلوی حمایت دو کشور نامبرده، هفته قبل روسیه میزبان، هیأتی را به ریاست «احمد مسعود» در یک مسافرت «خاندانی» با تعدادی از اعضای فامیل، به مسکو دعوت نمود تا اقداماتی برای رهنمایی «!» پسر مسعود زیر عنوان «مبارزه با تروریسم» روی دست گرفته شود.

پسری کو ندارد نشان از پدر تو بیگانه خوانش، مخوانش پسر

بلی، تاریخ باز هم تکرار میشود بدین ترتیب، «احمد شاه مسعود» به یاری اغیار، باز هم به نام دیگری زنده میگردد!!

پایان

Dawatmedia۲۴.com